

«جوجه اردک زشت» روایت پیشرفت

مهدی قزلی نویسنده شریان مکران



کتاب شریان مکران که بهانه حضور من در این مراسم است، در اصل روایت شکست من است. من جوجه اردک زشتم! نزدیک دو سه سال دنبال روزنه‌ای می‌گشتم برای اینکه کرانه مکران را حدود هزار کلیومتر پهنه آب‌های آزاد و بی نظیر ایران است را از نگاه توسعه «تک نگاری» کنم. ولی به هر دری زدم کسی به من محل نگذاشت. با اینکه مکران دبیرخانه مفصلی دارد به نام دبیرخانه ستاد توسعه سواحل مکران! این طرح و آرزوی من شکست خورد. در همین تلاش‌ها به واسطه‌ی کسی که الان از دوستان جانی من است، خواستم از جاسک شروع کنم. که با پروژه خط لوله گوره به جاسک وارد موضوع شدم و منجر به کتاب شریان مکران شد در اصل نبض توسعه آن ناحیه را رقم می‌زند و در مقدمه کتاب گفته‌ام. در موضوع روایت پیشرفت بیش از اینکه مجموعه‌ها مهم باشند، آدم‌های عاقل در مجموعه‌های کاری مهم هستند، که اهمیت روایت اتفاقات را بفهمند. آن دوست من که پیشنهاد روایت نگاری آن پروژه را به من داد، مهم‌ترین آدم آن پروژه است. بعدها فهمیدم این پروژه‌ها در کشور کم نیستند. خیلی از کارها که بخشی به پیروزی منجر می‌شود و برخی به شکست هیچ وقت روایت نمی‌شوند. کسی به روایت آنها فکر نمی‌کند. پیش از آنکه به روایت پیشرفت فکر کنیم به موضوع روایت هر آنچه که پیرامون ما اتفاق می‌افتد فکر کنیم. ما از ماجراهای ۷۸ روایتی نداریم. روایت اتفاقات ۹۸ و اخیراً نداریم. روایت‌هایی که می‌توانست اتفاقات را برای هر دو طرف طور دیگری رقم بزند.



”

دو گونه روایت داریم. روایت گری فعال و منفعل. روایت پیشرفت از جنس فعال است، برای روایت پیشرفت باید در میدان بود. نه اینکه آنچه رخداد است را با واسطه و پس از آن بخواید با گزارش و مصاحبه و تدوین کنید

ما را دیگران روایت می‌کنند!

ضعف فهم اهمیت روایت در کشور بیداد می‌کند! حالا هر چه می‌خواهید بعدش بگذارید، روایت پیشرفت، روایت جنگ، روایت انقلاب و ... ما بالاتر از ضعف، دچار فقدان روایت هستیم، در ماجرای سوریه، عراق، یمن و ... هیچ روایت معتبری نداریم! وقتی ما روایت نکنیم، ما را روایت می‌کنند و آن وقت همه تلاش‌های ما هدر می‌رود! و دیگران بهره‌برداری می‌کنند.

روایت فعال یا منفعل!؟

دو گونه روایت داریم. روایت گری فعال و منفعل. روایت پیشرفت از جنس فعال است، برای روایت پیشرفت باید در میدان بود. نه اینکه آنچه رخداد است را با واسطه و پس از آن بخواید با گزارش و مصاحبه و تدوین کنید. هر چند ما چاره‌ای نداریم برای موضوعاتی روایت منفعل تهیه کنیم. مثل موضوع مهندسی جنگ جهاد، که از بی نظیرترین اتفاقات هویت‌ساز علمی عملیاتی ما است. چون اصلاً زمان و فرصت و عرصه روایت آن را نداشتیم.

هر فعالیتی باید گروه ثبت روایت داشته باشد

هر اتفاقی باید روایت فعال داشته باشد. هر پروژه باید گروه ثبت روایت داشته باشد، آیا این ایده در ذهن مدیران پروژه‌ها وجود دارد؟ قطعاً وجود ندارد. چون بسیاری از پروژه‌ها اصلاً قرار نیست انجام بوند و به ثمر برسند. برای همین کسی به دنبال روایت آن هم نمی‌رود.

سبک‌های متفاوت روایت پیشرفت از دل همین تفاوت نگاه‌ها به موضوع روایت پیشرفت درمی‌آید. یک گروه می‌رود و تیم تحقیقاتی و پژوهش و مصاحبه تشکیل می‌دهد، یک نفر هم پاشنه کفش اش را بالا می‌کشد و متر به متر